

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده معماری و شهرسازی

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته معماری

عنوان

بازآفرینی خانه در کالبد بنا

استاد راهنما

خانم دکتر نادیه ایمانی

استاد مشاور

دکتر محمد ایرانمنش

نگارش و تحقیق

سمیه هراتی

شهریور ۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب:

۱.....	فهرست مطالب.....
۴.....	چکیده.....
۵.....	فصل مقدماتی.....
۶.....	شرح موضوع و پرسش اصلی.....
۶.....	هدف و اهمیت ضرورت آن.....
۷.....	گستره، محدوده و محدودیت های پژوهش.....
۷.....	پیشینه طرح.....
۹.....	فصل اول (ماهیت فایند رفتار انسانی).....
۱۰.....	مقدمه.....
۱۰.....	ساختار فصل.....
۱۱.....	فرایند رفتار انسانی.....
۱۲.....	فعالیت.....
۱۶.....	دیدگاههای مکتب مختلف روانشناسی.....
۱۷.....	نقش ادراک در رفتار انسان.....
۱۹.....	برداشت گشتالتی از ادراک.....
۲۰.....	مفاهیم بنیادی نظریه راجرز.....
۲۰.....	رفتار: قلمرو و حریم.....
۲۲.....	رفتار: الگوهای هم جواری در زمان و مکان.....
۲۴.....	نتیجه گیری.....
.....	فصل دوم (رابطه متقابل انسان و محیط).....
۲۶.....	مقدمه.....
۲۶.....	ساختار فصل.....
۲۸.....	ماهیت محیط.....
۳۰.....	تأثیر متقابل انسان و محیط.....
۳۳.....	تأثیر محیط ساخته شده بر رفتار.....
۴۰.....	فرهنگ و رفتار.....

۴۲.....	سازماندهی فضای مؤثر بر رفتار.....
۴۳.....	عوامل محیطی مؤثر بر رفتار.....
۴۹.....	نتیجه گیری.....
۵۰.....	فصل سوم (گونه شناسی خانه های سنتی کرمان).....
۵۱.....	مقدمه.....
۵۱.....	ساختار فصل.....
۵۲.....	خانه ، مفاهیم و معنا.....
۵۵.....	انسان، سکونت، معماری.....
۵۷.....	خانه از آغاز تا مدرن.....
۶۲.....	مسکن در گذشته.....
۶۴.....	گونه شناسی خانه در کرمان.....
۷۱.....	ساختار قرارگیری خانه در شهر.....
۷۲.....	ساختار محلات مسکونی کرمان.....
۷۳.....	بررسی عوامل تاثیر گذار در شکل گیری خانه در کرمان.....
۸۱.....	صورت مسکن سنتی کرمان.....
۹۵.....	جمع بندی.....
۹۷.....	نتیجه گیری.....
۹۸.....	فصل چهارم (مقدمات طراحی و شناسایی سایت پروژه).....
۹۹.....	مقدمه.....
۹۹.....	ساختار فصل.....
۱۰۰.....	شناسایی سایت پروژه.....
۱۰۰.....	شناسایی موقعیت اقلیمی کرمان.....
۱۰۰.....	شناخت محیط جغرافیایی کرمان.....
۱۰۲.....	ویژگی های معماری بومی مناطق گرم و خشک.....
۱۰۲.....	اصول کلی رعایت شده در مسکن طراحی شده.....
۱۰۶.....	مدارک طراحی.....
.....	فهرست منابع.....

فهرست تصاویر:

۷۴.....	محلّه شهر کرمان (مسلمان نشین).....
۷۵.....	خانه های مسلمان نشین.....
۷۷.....	محلات کرمان در عهد قاجار
۷۸.....	محلّه دولت خانه(یهودیان) کرمان.....
۸۰-۸۱	جدول ۱ تطبیق خانه های محلات مسلمان نشین، زرتشتی نشین و یهودی نشین کرمان.....
۸۳-۸۴	نظام قرارگیری کاربریها در اطراف حیاط.....
۸۵.....	نظام قرارگیری ورودی نسبت به حیاط.....
۸۶.....	تحلیل ورودی.....
۸۷.....	نظام ورود به تعدادی از خانه های کرمان.....
۸۸.....	سازماندهی فضاهای اطراف حیاط.....
۸۹.....	چگونگی قرارگیری حیاط ها نسبت به یکدیگر.....
۹۱.....	آهنگ قرارگیری سه دری در اطراف حیاط
۹۲.....	ارتباط اتاقها با حیاط از طریق فضاهای بینابینی.....
۹۳.....	آهنگ قرارگیری سه دری در اطراف حیاط

چکیده

هندسه فضایی سکونتگاه و خانه، بازتابی از عوامل اقلیمی، سرزمینی و مهمتر از همه اندیشه و جهان بینی انسان و جامعه می باشد. خانه یکی از مهمترین عناصر معماری شهر بوده و نظام ارتباطی آن در فرهنگ های مختلف هماهنگ با تعریفی است که آن فرهنگ از انسان دارد. در این پژوهش، با توجه به اینکه خانه به عنوان جزئی از محیط ساخته شده اطراف انسان حاصل عوامل و شرایط گوناگونی است، تلاش شد تا به چگونگی و اهمیت تاثیر عوامل رفتاری در خانه و مساله ارتباط انسان و خانه و تاثیر گذاری آنها بر یکدیگر پاسخ داده شود.

برای جستجوی چنین رابطه ای شناخت انسان ویژگی های رفتاری او و ویژگی های محیط زندگی او که شامل محیط طبیعی و انسان ساخت است اهمیت دارد، بنابراین ابتدا پس از طرح موضوع به بحثی تئوریک پیرامون مفهوم و ماهیت فرایند رفتار انسانی و ماهیت محیط می پردازیم. پس از آن به ارتباط و چگونگی تاثیر محیط و رفتار خواهیم پرداخت و براساس آن معیارهایی استخراج که به چگونگی تاثیر محیط ساخته شده بر رفتار می انجامد. در فصل سوم مبحث خانه، مفاهیم، معنا و مبحث سکونت مورد توجه می باشد. در ادامه فصل بحثی مصداقی به عنوان مکمل به این موضوع باز شد که در آن به تحلیل و بررسی الگوهای رفتاری و کالبدی خانه های سنتی کرمان با توجه به معیارهایی که از فصول گذشته حاصل شد، پرداخته می شود و نشان می دهیم که علاوه بر عوامل اقلیمی و جغرافیایی بر شکل گیری خانه، عوامل دیگری که می توان در چارچوب شیوه زندگی، الگوهای رفتاری و رابطه متقابل آن با سازمان فضایی خانه در شکل گیری خانه های سنتی نقش بسزایی داشته اند، اشاره نمود.

فصل مقدماتي

شرح موضوع و پرسش اصلی

موضوع اصلی این پژوهش، گشودن بخشی پیرامون مبحث خانه از دیدگاه رفتاری و پرداختن به رابطه آن با خانه و انسان می باشد. عبارتی پرسش اصلی مطرح شده در این پژوهش چگونگی تأثیر گذاری الگوهای کالبدی (خانه) و رفتار بویکدیگرند. بحث خانه یک مسأله چند بعدی است و با همه زندگی مرتبط است. خانه محل سکونت است و زندگی در آن جریان دارد، بخشی از شخصیت اجتماعی انسان و حس هویت در این مکان شکل می گیرد. پس درک و طراحی صحیح خانه، نقش به سزا در بهبود کیفیت زندگی اجتماعی انسان را دارا است.

انسان با توجه به نیازها، ارزشها و هدفهای خود محیط را دگرگون می کند و بطور متقابل تحت تأثیر محیط دگرگون شده قرار می گیرد. هر نوع دگرگونی در محیط، در شیوه زندگی انسان تأثیر می گذارد خانه بعنوان جزئی از محیط ساخته شده نیز با همه زندگی انسان مرتبط است و برآن تأثیر می گذارد و متقابلاً از آن تأثیر می پذیرد.

امروزه مقوله خانه مورد بی توجهی قرار گرفته است. در این راستا توجه به مسأله خانه و انسان با توجه به شناخت چگونگی رابطه فرد و خانه می توان شیوهها (راهکارهایی) در این راستا برای هدف دستیابی به فراهم آوردن محیطی برای آسایش روانی و فیزیکی و تأمین سطوح مختلف نیازهای انسان است.

خانه چیست و ارتباط آن با انسان چیست؟

خانه چگونه با محیط پیرامون خود ارتباط دارد؟

تأثیر متقابل محیط و رفتار چگونه قابل تبیین و توضیح است؟

محیط چگونه و به چه شیوه هایی بر شکل گیری خانه تأثیر می گذارد؟

چگونه می توان به خانه ای که هم به لحاظ فیزیکی و هم روانی پاسخگوی نیازهای فرد باشد دست یافت؟

تأثیر الگوهای رفتاری و کالبدی بر هم چیست؟

هدف و اهمیت ضرورت آن

تأثیرات مخرب خانه سازی بدون در نظر گرفتن حس خانه بر فرد، خانواده و جامعه بر هی چ کس پوشیده نیست تقلیل معنای خانه به مکان خانه - که خانه را از کاربردهای اصلی خود دور می کند- و

از اثرات زیانبار پدیده بسازو بفروشی است، نیاز به بازنگری به خانه و خانه سازی را جدی تر می کند.

از طرف دیگر اهمیت به عوامل تاثیر گذار بر شکل گیری خانه به عوامل اقلیمی مانند نور و باد ... محدود شده است، و این موجب شکل گیری و انتقال الگوهای از ساختمان و توسعه می شود که با محیطها و فرهنگها تطبیق فکر شده و سامان یافته ندارند حاصل اینگونه ارزیابیها جایگزین رشد کمی متأثر از عوامل بیرونی، به جای رشد کیفی درونی است.

از این رو مبحث اصلی این طرح ایجاد هماهنگی میان انسان و دریافت های محیطی او پی بردن به نیازهای روانی و فیزیکی و مسأله خانه جهت ارتقای سطح کیفی خانه و بهبود و راحتی زندگی از نظر فیزیکی و روانی در خانه مدنظر می باشد. ارائه راهکارها و رسیدن به فضاهایی که به معنای واقعی برای زندگی کردن خلق شده باشند نه فقط در فضا بودن را پاسخگو باشند و ارتباط خانه با محیط پیرامونش جهت ارتقای نیازهای انسان .

پیشینه طرح

دانش پایه تحلیلی رابطه انسان و محیط و کاربرد آن در طراحی با عنوان روان شناختی محیط شناخته شده است و در درون علم روان شناسی محیط شکل گیری حوزه هایی چون روان شناختی اکولوژیک یا بوم شناختی تبادل میان مطالعه نظری و معیارهای طراحی کمک فراوانی کرده است.

در دهه های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ میلادی، اصول طراحی مسکن که در جلسات لنگره سیام و توسط نهضت های مسکن در بسیاری از کشورها تدوین شد، با اعتقاد به معماری و طراحی شهری بر رفتار انسان استوار بود.

پیشینه کار بر این موضوع رابطه رفتار و کالبد مطالعاتی انجام گرفته اما در شرح و بازنمایی کالبدی خانه های ایرانی و نیز گونه شناسی (پژوهشی) مسکن با توجه به مسایل جغرافیایی در معماری سنتی ایران پژوهش هایی انجام شده است همچنین پایان نامه هایی نیز در زمینه طراحی مجتمع های مسکونی با رویکرد روان شناسی محیطی وجود دارند مقالاتی نیز در این زمینه به چشم می خورد اما بررسی در زمینه خانه های سنتی کرمان تحقیقی جامع و عالی، چنان که شایسته این موضوع باشد انجام نشده است.

به لحاظ تئوریک حوزه هایی که این پژوهش بر آنها تکیه کرده است شامل علوم رفتاری، علوم روان شناسی محیطی، انسان شناسی، جامعه شناسی می شود.

به لحاظ عملی و با توجه به پیچیدگی فهم ساز و کار خانه و نیز گستردگی موضوع، بازه‌ی زمانی و مکانی محدودی برای این پژوهش در نظر گرفته شد. محدوده‌ی جغرافیایی این پژوهش تعدادی از خانه‌های سنتی شهر کرمان است. در این محدوده نمونه‌هایی از خانه‌ها مورد بررسی قرار گرفتند.

فصل اول

ماهیت فرایند رفتار انسانی

مقدمه

انسان با توجه به نیازها، ارزش‌ها و هدف‌های خود محیط را دگرگون می‌کند و بطور متقابل تحت تأثیر محیط دگرگون شده قرار می‌گیرد. در این فصل در جهت پاسخگویی به پرسش اصلی پژوهش یعنی چگونگی تأثیر خانه و انسان بر یکدیگر و با توجه به اینکه خانه جزئی از محیط ساخته شده اطراف انسان محسوب می‌شود برای جست و جوی چنین رابطه ای شناخت انسان و ویژگی های محیط زندگی او که شامل محیط طبیعی و انسان ساخت است خواهیم پرداخت. در این فصل ماهیت فرآیندهای رفتار انسانی مورد توجه قرار خواهند گرفت .

فرایند رفتار انسانی

برای درک و شناخت بیشتر واژه رفتار می بایست به شناخت معانی واژه هایی مانند: نیاز، انگیزه و فعالیت پرداخت. همه موجودات زنده از جمله انسان دارای نیازهایی هستند که سر منشأ رفتار او می باشد.

نیاز ← سائق ← انگیزه ← فعالیت

دیگرام فوق ساده ترین مدلی است که از زنجیره فعالیت ارائه شده است. حلقه آغازین زنجیره فعالیت، نیاز است. برای این مفهوم تعاریف متفاوت بسیاری طرح شده است. برای مثال نیاز در دیدگاه زیست گرایان حالتی است « مبتنی بر کمبود و فقدان درون ارگانسیم » و واژه ای در حیطه ای زیست شناختی است تا روان شناختی و در دیدگاه شناختی « پاسخی است به محرک ».

برای تعریف نیازهای انسانی مدل هایی تدوین شده است، همه این مدل ها در جهت تشریح «نیروهای داخلی»- زیست شناختی و روان شناختی، خودآگاه و ناخودآگاه- و گونه های نیازها از بنیادی ترین تا عالی ترین شکل آنها تدوین شده اند. دو نمونه از این مدل ها که برای تبیین قابلیت های محیط مطرح شده مدل مقیاس احساسات اصلی در رقابت از الکساندر لیتون^۱ (۱۹۵۹) و سلسله مراتب نیازهای انسانی آبراهام مازلو^۲ (۱۹۴۳، ۱۹۵۴) می باشند و با توجه به رویکرد اتخاذ شده در این رساله جامع ترین تعریف را می توان در سلسله مراتب نیازهای آبراهام مازلو یافت. مازلو با دیدگاهی انسان گرا ضمن تأکید بر تجربه ها و دنیای درون انسان، به دسته بندی نیازها پرداخته است. او نیاز را مجموعه خواسته های فیزیکی و روانی انسان تعریف می کند و سلسله مراتب زیر را برای آن قائل است:

نیازهای زیستی: نیازهای مربوط به حفظ بقاء، گوسنگی، تشنگی

نیازهای ایمنی: احساس امنیت، محافظت در مقابل صدمات فیزیکی

نیازهای تعلق و دوست داشتن: پیوند با دیگران، توجه کردن، مورد توجه بودن

نیاز به قدر: یعنی فرد نزد خود و دیگران دارای ارزشی بالا باشد.

نیاز به خود شکوفایی: که بیانگر میل به ارضای ظرفیت های فردی است

نیازهای شناختی و زیبا شناختی: مثل میل به دانستن و تمایل به زیبایی برای زیبایی^۳

^۱ Alexander Leighton

^۲ Abraham Maslow

^۳ لنگ جان، آفرینش نظریه معماری، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۸، ص ۹۶

جان لنگ با اقتباس از نظریه سلسله مراتب نیازهای آبراهام مزلو مدلی را پیشنهاد کرده است که به مدل نیازهای انسانی مشهور است و بعنوان چارچوب نظری برای تعیین مؤلفه های کیفیت طراحی شهری به کار می رود.

مطابق مدل انسان پیشنهادی او کیفیت های طراحی شهری را می توان بر حسب برآورده ساختن گونه های مختلف نیازهای انسان طبقه بندی نمود. لنگ به بررسی نیازهای متفاوت انسانی و تعیین کیفیت های مداخله کننده در برآوردن این نیازها پرداخته است.

نیازهای مطرح شده توسط مزلو مراتبی است که به نظر می رسد از حالتی فطری و غریزی و فیزیولوژیک به شکل هوشیار و آگاهانه تبدیل می شوند و نشانگر این حقیقت است که نیازهای انسان برخاسته از ابعاد متفاوت وجود او هستند.

گرایش به سوی خود شکوفایی و نیازهای زیبا شناختی که اساسی ترین تمایز میان انسان و حیوان شناخته می شود، اشاره بر تمایل به حرکت به سوی توانایی های بالقوه، حتی با وجود موانع محیطی و اجتماعی دارد. برآورده شدن نیازها از هر رده، می تواند نیازهای رده بالاتر را مطرح کند و بهداشت روانی حالت کسی است که نیازهای بنیادین او برآورده شده و می تواند جهت کسب خود شکوفایی حرکت کند.

بنابراین تأمین بهداشت روانی انسان - یعنی امکان تبدیل هماهنگ انسان با محیط و توانایی او برای ایفای نقش های اجتماعی و فرهنگی - مستلزم توجه به نیازهای انسان با توجه به کلیه جنبه های وجود اوست.

در زنجیره فعالیت، نیاز از هر رده و با هر ماهیتی می تواند منجر به سائق^۱ روانی شود این نکته قابل توجه است که اصولاً همه نیازها منتهی به سائق نخواهند شد. برای مثال ما ممکن است با کمبود نوعی پروتئین در بدن روبرو باشیم ولی چنین نیازی به هیچگونه سائق روانی و درنهایت فعالیت آگاهانه و هدفمندی منتهی نمی شود. وقتی شخص برانگیخته است، سائق او را برای انجام دادن مجموعه ای از فعالیت های هدفمند آماده می سازد. هدف زنجیره فعالیت، کاهش سائق است، یعنی فرد از یک حالت پر تنش به طرف هدف حرکت می کند و بدین گونه سائق ها به انگیزه منتهی می شوند.

انگیزه حالتی است که منجر به شروع یا ادامه زنجیره فعالیت می شود و شامل سائق و هدف جویی است. انگیزه را اشتیاق هوشیار برای چیز معینی نیز تعریف می کنند، مراد از کلمه خواسته نیز همین است از آنجایی که انگیزه جزء مرحله هدف جویی است، منتهی به واکنش انسان و عمل او می شود^۲

^۱ Drive

^۲ گنجی حمزه، بهداشت روانی، نشر ارسباران تهران، ۱۳۷۶

می توان افعال متنوع انسانی را به لحاظ تشابه در جنبه فیزیکی و اشتراک در هدف - یا همان برآوردن نیاز - دسته بندی کرد و به هر دسته نام یک فعالیت خاص اطلاق کرد، مانند نشستن، حرکت کردن، خوابیدن و.... بنابراین انگیزه به فعالیت منتهی می شود.

آنچه تاکنون در زنجیره فعالیت بررسی شد، فرایندی ذهنی است که نه به رفتار، بلکه به فعالیت منتهی می شود. اگر چه اعمال انسان در قالب فعالیت ها همواره نامی به خود می گیرند، اما قابل رویت نیستند، زیرا که در محدوده دانش و اطلاعات انسان قرار دارند. نشستن فعلی است که به صورت چمباتمه زدن، نشستن روی نیمکت، لم دادن و.... امکان پذیر است و به مجرد این اشکال قابل تجسم نیست.

بنابراین فعالیتها، دسته بندی انتزاعی از رفتارها هستند، بدون اینکه حقیقتاً عینیت داشته باشند و تنها در قالب رفتار قابل مشاهده اند. آنچه ما مشاهده می کنیم، مکانیسم بیرونی عمل و بعبارتی همان رفتار است.

به عبارت ساده هر فعالیت به اشکال گوناگون می تواند واقع شود. نحوه انجام فعالیت، رفتارخوانده می شود. هنگامی که در راستای برآوردن یک نیاز و هدف، می خواهیم فعالیتی انجام دهیم، آن را براساس ذهنیات و با توجه به زمینه و موقعیت انجام می دهیم. برای مثال در سالن مطالعه یک کتابخانه عمومی برای گفتن چیزی به همراهان (هدف) و حرف زدن با او (فعالیت) هرگز فریاد نمی زنیم، بلکه احتمالاً پیچ پیچ (رفتار) می کنیم.

بنابراین رفتار مانند فعالیت بطور بلافصل با نیازها و خواسته های انسان مرتبط نیست و وقوع یک رفتار علاوه بر نیاز و فعالیت مربوط به برآوردن آن، به زمان و مکان، قابلیت م محیط، موقعیت و تصویر ذهنی ناشی از ادراک نسبت به آن موقعیت و معنایی که برای ما دارد و الگوها و ساختارهای کلی جهت دهنده به ذهنیت انسان یعنی اجتماع و فرهنگ نیز بستگی دارد به همین جهت یک فعالیت به اشکال مختلف می تواند واقع شود.

فعالیت

اعمال انسان به واسطه شباهتها می توانند در قالب فعالیت ها دسته بندی شوند. دسته بندی فعالیت ها براساس لزوم و موقع آنها ممکن است. براین اساس فعالیت های ضروری و فعالیت های انتخابی قابل تشخیص اند.

فعالیت های ضروری: شامل فعالیت های روزمره، مانند فعالیت های مربوط کار و حرفه بوده و یا در راستای پاسخ به نیازهای بنیادین انسان نظیر خوردن، استراحت کردن و.... واقع می شود. این

فعالیت‌ها الزاماً باید انجام بگیرند و محیط بر تعدد و تکرر و زمان وقوع این فعالیت‌ها تأثیر ندارد، ولی مطمئناً بر نحوه انجام این فعالیت‌ها - یعنی رفتارهای مرتبط با آنها - بسیار مؤثر است. برای مثال فعالیت‌های مربوط به حرفه یک کارمند حتی در فضای نامطلوب و خارج از استاندارد یک اداره اتفاق می‌افتد. اما در میزان کارایی و بازده، رابطه احساسی با فضا و برخورد با ارباب رجوع از طرف کارمند بسیار مؤثر است.

وقوع فعالیت‌های انتخابی وابسته به کیفیت مطلوب محیط است و شرایط محیط در تعدد و تکرر وقوع آنها بسیار مؤثر است. محیط می‌تواند نیاز بیافویند و یا انگیزه ایجاد کند و موجب وقوع فعالیت‌های انتخابی شود. اما درعین حال این فعالیت‌ها تنها جنبه مثبت ندارد، برای مثال محیطی که ناامن باشد می‌تواند باعث رواج انواع خلاف شود و یا فضایی که اجتماع‌پذیر است و قابلیت توقف و تعامل‌عابرین را فراهم می‌کند، فضایی سرزنده است.

به این ترتیب وقوع فعالیت‌های انتخابی می‌تواند کیفیت متفاوتی نیز به محیط ببخشد. از طرف دیگر انسان‌ها نیازهایی دارند که پاسخگویی به آنها منوط به نحوه دستیابی به پاسخ است به عبارتی در صورتیکه دستیابی به آن پیش‌بینی نشده باشد، نیاز تحت تأثیر قابلیت دستیابی قرار می‌گیرد و فعالیت واقع نمی‌شود. مثلاً نیاز به گردش و تفریح برای هر انسان وجود دارد، اما در صورتیکه فضای سبز از محل سکونت دور باشد بسیاری از اوقات فعالیتی برای گردش صورت نمی‌گیرد. بنابراین ما در فضا با دو نوع فعالیت مواجه هستیم که نمی‌توان هیچکدام را از نظر دور داشت. مد نظر قرار دادن فعالیت‌های ضروری مربوط به یک فضا به طور حتم از بسیاری از کیفیت‌های مطلوب و انسانی آن می‌کاهد؛ زیرا اگر فضا قابلیت نداشته باشد، فعالیت‌ها تنها محدود به فعالیت‌های ضروری می‌شوند.

به نظر می‌رسد که این اتفاقی است که در فضای ما بسیار قابل مشاهده است. بسیاری از ساختمان‌ها که ناگهان تغییر کاربری می‌دهند و از مسکونی، آموزشی، اداری به تبدیل می‌شوند تنها نمی‌توانند ضامن وقوع فعالیت‌های ضروری باشند.

علت وقوع این فعالیت‌ها نیز به اجباری بودن آنها بر می‌گردد، بنابراین نحوه وقوع این فعالیت‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

فعالیت‌ها چه ضروری باشند و چه انتخابی باعث می‌شوند مردم در فضا حرکت کنند و بجوشند، بنابراین هیچ لحظه‌ای مانند لحظه قبل با لحظه‌ای که پس از آن می‌آید نیست. برای شناخت و اهمیت تأثیر فعالیت‌ها بر فضا نه تنها امکان وقوع آنها بلکه شناخت ویژگی آنها نیز ضروری است.

فعالیت ها چه ضروری باشند و چه انتخابی و در راستای برآوردن هر نیازی که باشند دارای ویژگی های مشترکی هستند که براساس ماهیت فعالیت های انسان قابل تشخیص است؛ با تشخیص ویژگی های ساده اما اساسی فعالیت های انسانی می توانیم برخی عوامل مؤثر بر الگوه ای رفتاری در فضا را درک کنیم.

نیاز به فعالیت های مکمل

نیاز به فعالیت های مکمل در راستای یک فعالیت هم در ارتباط با آن فعالیت خاص معنا دارد و هم در ارتباط با نیازهای دیگری که همواره خود را تحمیل می کنند و موجب وقوع فعالیت می شوند. در مورد اول می توان گفت جهت انجام یک فعالیت در راستای یک هدف، بسیاری از اقدامات انجام دسته ای از فعالیت ها نیاز است. فعالیتی به طور مجرد کمتر وجود دارد یعنی اعمال ما مجموعه ای از فعالیت ها هستند.

از طرف دیگر نیازهایی وجود دارد که به واسطه ساختمان فیزیولوژیک انسان ایجاد می شود، برای مثال همه انسان ها نیاز به خوراک و استراحت و رفع خستگی و دارند که باید امکان وقوع فعالیت های مرتبط با آنها در منطقه بندی زمانی و مکانی سایر فعالیت هایشان تأمین شود. توجه به چنین محدودیت هایی در ارتباط با کلیه فعالیت های انسان، جهت پیش بینی تسهیلات پاسخگویی به آن لازم است. برای مثال کارمندان یک اداره که مدت طولانی در حمل کار خود، به فعالیت های مختلف مشغولند لازم است به برخی از نیازهای آنها در این زمینه، در همان جا پاسخ داده شود.

تفکیک یا تلفیق / سازگاری یا ناسازگاری

فعالیت های سازگار آنهایی هستند که رفتارهای مرتبط با آنها با یکدیگر تداخل نامطلوب نداشته، همچنین یک فضا قابلیت پاسخگویی به آنها در زمان واحد را داشته باشد. بنابراین امکان تلفیق فعالیت های سازگار وجود دارد. برای مثال تلفیق فعالیت ها به تعدد در فضاهای شهری قابل مشاهده است، در فضای عمومی شهری مردم حرکت می کنند حرف می زنند و می نشینند و....

در برابر این موضوع، بسیاری از فعالیت ها قابلیت تلفیق ندارند، زیرا کیفیت های متفاوت از محیط می طلبند که نمی توان یکجا فراهم کرد، مانند حرکت سواره و پیاده از یک مسیر و یا اینکه معایب ترکیب فعالیت ها بر محاسن آن غلبه داشته یا اساساً ترجیح به تفکیک آنها باشد. برای مثال اکثر ما به واسطه عقاید و حریم هایی که برای فضاهای خصوصیمان می طلبیم، ترجیح می دهیم نشیمن خصوصی از اتاق پذیرایی جدا باشد.

تلفیق یا تفکیک فعالیت ها مجرد از موقعیت، فاقد با ارزشی و هر نوع ترجیحی بوده و انتخابی است که در مورد منحصر به همان موقعیت است.

دیدگاههای مکاتب مختلف روانشناسی

رفتارهایی که انسان برای هر فعالیتی انجام می دهد تحت تأثیر مجموعه ای از عوامل متفاوت قرار دارد. در واقع این عوامل هستند که چگونگی و نحوه انجام یک فعالیت (رفتار) را تعیین می کنند. روانشناسان از دیدگاه ها و مکاتب مختلف روانشناسی به طرق مختلف سعی در توجیه این عوامل دارند:

- عده ای با رویکرد زیستی - عصبی به رفتار می نگرند، و عقیده دارند که منشأ رفتارها در کارکرد در هم پیچیده و بفرنج ساختمان مغز خلاصه می شود و همانطور که تا کنون مکان رفتارهای شادی بخش و رفتارهای هیجانی مانند ترس، خشم در مغز موجود زنده پیدا شده است، به تدریج با پیشرفت علم جایگاه سایر رفتارها در مغز موجود زنده کشف خواهد شد.

- در نوع دیگر روانشناسان بر این باورند که انسان در مقابل دریافت محرک ایستا نیست، بلکه او محرک ها را از محیط دریافت می کند، به پردازش اطلاعات دریافتی می پردازد و سپس بر اساس تجربیات قبلی خود آنها را به شکل ها و مقولات تازه ای تبدیل می کند.

- روانکاوان نیز در این میان جایگاه علت های رفتاری را در سه شکل ضمیر خودآگاه، ضمیر نیمه آگاه و از همه مهمتر ضمیر ناخود آگاه می دانند.

این مکاتب را از نقطه نظر اهمیت دادن، به شرایط محیطی می توان این گونه دسته بندی کرد:

۱. روانشناسی عمقی و روانکاوی: این مکتب که فروید مؤسس آن می باشد تأثیر ابعاد محیط روی رفتار تنها به عنوان عواملی که از نظر مهار کردن یا تشریح امیال جنسی اهمیت دارند، مورد توجه قرار می گیرند. فروید بطور کلی در موارد گوناگون به تأثیر محیط در رفتار تنها اشاراتی می کند و لیکن به بررسی و تفکیک دقیق ابعاد آن نمی پردازد.

۲. روانشناسی رفتارگرایی: اغلب پژوهش های مکتب رفتارگرایی محدود به جنبه هایی از رفتار می شود که قابل مشاهده و اندازه گیری هستند. « محیط » نیز به عنوان مجموعه ای از محرک ها در رابطه با پاسخ هایی که از سوی ارگانیزم ارائه می شود، مورد بررسی قرار می گیرد ولی در اکثر پژوهشهای این مکتب نیز به ساخت و روابط پیچیده بین ابعاد مختلف محیط کمتر توجه می شود.

۳. مکتب گشتالت: بر خلاف رفتار گرایان، طرفداران مکتب گشتالت بر این باورند که پدیده ها و رویدادهای مرکب و همچنین رفتار را نمی توان به اجزا ساده تجزیه کرد، زیرا ترکیب و ه یات هر

پدیده مرکب (یعنی گشتالت آن) متفاوت از مجموع اجزای آن است . پس رفتار و فرایند پایه روانی از قبیل ادراک، شناخت، احساس و تفکر را نیز نمی توان به اجزای تشکیل دهنده آنها مانند «پیوندها» تجزیه کرده، و از تراکم بررسی اجزا به کیفیت هیأت یا ترکیب جریان رفتاری پی برد. محققین مکتب گشتالت بیش از دیگر مکاتب به شرایط محیط توجه دارند.^۱

نقش ادراک در رفتار انسان

تعریف ادراک^۲

«ادراک از نظر لغوی به معنای دریافتن یا وصول می باشد . احساس ، عمل دریافت محرک بوسیله عضو حسی است. وقتی اثر به مخ رسید، از آن پس مورد شناسایی واقع شده یا به عبارت دیگر فرایند ادراک شروع می شود. ادراک عمل تعبیر و تفسیر محرک ثبت شده در مغز بوسیله یک یا چند مکانیزم حسی است.»

با اینکه مکانیزم یا فیزیولوژی دریافت محرک در افراد مختلف متشابه است ، اما تعبیر و تفسیر ما از این محرک به آسانی می تواند متفاوت باشد.

در بیان پدیده ادراک ، امانوئل کانت چنین می گوید : که اشیاء را نه آن گونه که آنها هستند بلکه آن گونه که ما هستیم می بینیم . به عبارت دیگر «ادراک ما ، نمایانگر دریافت ما از موقعیت جدید بر حسب تجربه های گذشته است»^۳.

به همین جهت آنچه را که ادراک می کنیم نه تنها به ماهیت خود محرک بستگی دارد، بلکه به زمینه و وضع محرک یعنی به تجربه های حسی قبلی خود ما، به احساسات ما در آن لحظه ، به پیش داوری کلی ما، به آرزوها، نگرش ها و هدف های ما نیز وابسته است . علی اینکه این عناصر گوناگون به حالت کلی در ادراک ما حضور دارند، اما معملاً یک خصیصه ، در تأثیر گذاشتن بر واکنش های ادراکی ما، در برابر جنبه های خاص محیط بیش از خصیصه های دیگر مؤثر است . برای سهولت و تجزیه و تحلیل و فهمیدن نقش هر کدام از عناصر اصلی ادراک، می توان آن ها را بصورت زیر فهرست کرد:^۴ ماهیت حسی محرک ، زمینه یا وضع ، تجربه های حسی گذشته ، احساسات نگرش ها، سابقه ها و هدفهای شخصی.

فرایند ادراک محیط را می توان در قالب دو مرحله زیر بیان نمود:

^۱ مرتضوی شهرناز، روانشناسی محیط، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۰، ص ۱۰-۷

^۲ Perception

^۳ اسپرلینگ آبرهام، روانشناسی روش عملی در شناخت ماهیت، ترجمه محی الدین بناب، ص ۵۱

^۴ همان ص ۵۲

۱. مرحله جمع آوری اطلاعات : در هر مرحله اطلاعات خیلی بیشتر از میزان می که در موارد معمولی ادراک می شود، نهفته است. لیکن محیط ادراک شده توسط فرد شامل کلیه اطلاعات فیزیکی و غیر فیزیکی دنیای پیرامون وی نیست. بلکه فقط بخشی از آن است که در موقعیت و شرایط خاص بر فرد تأثیر می گذارد. افراد گروه های مختلف، متناسب با شغل، حرفه، انگیزه ها، خصوصیات شخصی خود اطلاعات متفاوت از محیط کسب یا بهتر بگوییم انتخاب می کنند.

۲. مرحله تعبیر و تفسیر اطلاعات (شناخت): فرایند ادراک و شناخت در مرحله تعبیر و تفسیر اطلاعات تحت تأثیر حافظه قرار می گیرد و حافظه خود چون مخزنی از اطلاعات، که محصولی از تجارب پیشین است، عمل می کند. یکی از علل عمده بروز تفاوت در ادراک، گونه های متفاوت تعبیر و تفسیر افراد، بر مبنای تجارب متفاوتشان است. فرایند ادراک و شناخت هم در مرحله جمع آوری اطلاعات و هم در مرحله تعبیر و تفسیر تحت تأثیر عوامل روان شناختی (مانند نیازها و اکتسابات پیشین و) که خود از شرایط محیطی تأثیر می پذیرد قرار دارد.

برخی از دلایل تشابه در ادراک

تشکیل تصویر ذهنی

انسان برای درک رویدادهای محیط خود نیازمند قواعد و قالبهایی است که بتواند به کمک آنها بافت خبرها را به دست آورد. به کمک این قواعد و قالبها است که انسان در ذهن خویش می تواند با به هم پیوستن مقداری از این علائم خنوبی طرح واره هایی تشکیل دهد که به کمک آنها محیط را بسیار آسان تر درک نماید.

آن بخش از اطلاعات مربوط به واقعیت که به طور آگاهانه یا ناآگاهانه توسط ذهن انتخاب می شوند، را اطلاعات مؤثر بر ذهن یا «عینی» می نامند. در فرایند تبدیل اطلاعات ارسال شده از واقعیت، از طریق انتخاب اطلاعات مؤثر توسط ذهن و انتقال آن به مغز و ترکیب آن با کلیه اطلاعات و ارزشهای بایگانی شده در حافظه، به یک تصویر ذهنی از واقعیت می رسیم که بر رفتار و شخص تأثیر می گذارد. معادلهای فضایی سه دسته اطلاعات فوق در نظریه فضا، به فضای واقعی، فضای مؤثر و فضای ادراکی معروف هستند.

تصاویر ذهنی مشترک از فضا